

۸- آیا موسسات غیرتجارتی می‌توانند اقدام به فعالیت‌های تجارتی نمایند؟

در علم حقوق، وقتی از اشخاص صحبت میشود گاه منظور اشخاص حقیقی است و گاه اشخاص حقوقی. اشخاص حقیقی همان آحاد نوع بشر میباشند که بعنوان انسان دارای وجود فیزیکی و مادی هستند. اما اشخاص حقوقی پدیده‌هایی هستند که بنا به اراده مقنن بعنوان واحدی مستقل شناخته شده‌اند و از لحاظ حقوق و تکالیف در مرتبه‌ای مشابه انسان قرار میگیرند. مثل دولت، شهرداریها، موسسات، انجمنها و امثال آن.

حقوق خصوصی در کشور ما، دو نوع شخص حقوقی را به رسمیت می‌شناسد که عبارتند از: الف- شرکتهای تجارتی، ب- موسسات غیر تجارتی. این دو نوع تشکیلات هرگاه بطریق قانونی تشکیل شوند بموجب مواد ۵۸۳ و ۵۸۴^(۱) قانون تجارت مصوب ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۱، شخص حقوقی محسوب میشوند. یعنی بطرزی جدا و مستقل از موسسین و سهامداران و صاحبان خود موضوع حق و تکلیف قرار میگیرند.

قوانین مربوط به اشخاص حقوقی در کشور ما، بعضیسا دارای ابهاماتی است که گاه موجب بروز دشواریهایی برای مردم

(۱): ماده ۵۸۳- کلیه شرکتهای تجارتی مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند.

ماده ۵۸۴- تشکیلات و موسساتیکه برای مقاصد غیرتجارتی تاسیس شده یا بشوند از تاریخ ثبت در دفتر ثبت مخصوصی که وزارت عدلیه معین خواهد کرد شخصیت حقوقی پیدا میکنند.

و ادارات دولتی میشود و چه بسا امکان سوء استفاده و تجاوز به حقوق عامه را فراهم می‌آورند. در این نوشته به مسئله امکان فعالیت تجاری توسط موسسات غیر تجاری پرداخته خواهد شد. ذکر این نکته لازم است که مشاهدات نشان میدهد که در مورد عملیات اینگونه موسسات غیر تجاری ابهامات و نارسائی‌های وجود دارد که شایسته است مورد بررسی و تدقیق و تفحص علمی قرار گیرند.

گفتیم که اشخاص حقوقی که در حقوق خصوصی کشور ما مورد بحث واقع میشوند عبارتند از شرکتهای تجاری و موسسات غیر تجاری. هرگاه دو یا چند نفر بمنظور بدست آوردن سود مادی و تقسیم آن مابین خود توافق نمایند و آن توافق را بصورت مندرج در قانون جلوه گرو آشکار نمایند آنگاه یکی از انواع شرکتهای تجاری تشکیل میشود. اما موسسات غیر تجاری، بموجب آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجاری مصوب ۱۳۳۷، موسساتی هستند که برای مقاصد غیر تجاری از قبیل امور علمی یا ادبی یا امور خیریه و امثال آن تشکیل میشوند، " اعم از اینکه موسسین و تشکیل دهندگان قصد انتفاع داشته یا نداشته باشند."

هر گاه به ماده ۲ از قانون فوق الاشعار توجه کنیم میبینیم که تشکیلات و موسسات مزبور بدو قسمت تقسیم میشوند :

الف : موسسات غیر تجاری انتفاعی که مقصود از تشکیل آن جلب منافع مادی و تقسیم منافع مزبور بین اعضاء خود باشد، مثل کانون های فنی و حقوقی و غیره .

ب : موسسات غیر تجاری غیر انتفاعی که مقصود از تشکیل آن جلب منافع و تقسیم آن بین اعضاء خود نباشد، مانند

اتحادیه های شغلی، انجمن حمایت از زندانیان و غیره .

بنظر میرسد که نظر مقنن در این خصوص کاملاً روشن و

واضح است . هرگاه شخص حقوقی برای مقاصد تجاری مذکور در ماده

(۱)

۲ از قانون تجارت مصوب ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۱ تشکیل شده باشد .

آنگاه نمیتواند بصورت موسسه غیرتجارتی به ثبت برسد و راهی

نخواهد داشت جز آنکه بصورت یکی از انواع شرکتهای تجاری فعالیت

نماید . اما رعایت دقیق این تقسیم بندی در عمل ممکن نگردیده

است . در سالهای اخیر به کرات دیده شده که اتحادیه های صنفی و

یا حتی موسسات غیرتجارتی کارت بازرگانی اخذ اقدام به ورود

و صدور کالا نموده اند .

(۱) : ماده ۲ قانون تجارت مصوب ۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۱ : معاملات

تجارتی از قرار ذیل است :

۱- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول بقصد فروش یا اجاره اعم

از اینکه تصرفاتی در آن شده و یا نشده باشد . ۲- تصدی به حمل

و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به نحوی که باشد . ۳- هر قسم

عملیات دلالی یا حق العمل کاری (کمیسیون) و یا عاملی

و همچنین تصدی به رونق تاسیساتی که برای انجام بعضی

امور ایجاد میشود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن

خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره . ۴- تاسیس

و بکار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع

حواجی شخصی نباشد . ۵- تصدی به عملیات حراجی .

۶- تصدی به هر قسم نمایشگاههای عمومی . ۷- هر قسم عملیات

صرافی و بانکی . ۸- معاملات برواتی اعم از اینکه

بین تاجری غیرتاجر باشد . ۹- عملیات بیمه بحری و غیر

بحری . ۱۰- کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی

داخلی یا خارجی و معاملات راجع به آنها

اما با نگاهی به قوانین جاری مملکت بنظر میرسد که فعالیتهای بازرگانی توسط موسسات غیر تجارتي قانوناً "خللاف" باشد :

اولاً ، در ماده ۱ از آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیر تجارتي مصوب سال ۱۳۳۷ ، آنجا که صحبت از " مقاصد غیرتجارتي " میشود ، در واقع منظور آنستکه موضوع و رشته فعالیت موسسه ، غیر تجارتي باشد ، نه اینکه کار با نیت و هدف غیر تجارتي انجام شود . برخی عملیات مثل دلالتی و حق العمل کاری ، اعمالی تجارتي محسوب میشوند و لذا تشکیلاتی که مثلاً " برای مقاصد دلالتی تشکیل میشود تشکیلات تجارتي است و باید بصورت شرکت تجارتي به ثبت برسد ، اگر چه موسسین تشکیلات دلالتی در نظر داشته باشند که وجه حاصل از عملیات دلالتی را صرف امور خیریه مثل کمک به ایتمام و مساکین نمایند . بر عکس برخی از اعمال ، غیر تجارتي هستند مثل وکالت یا حسابرسی ، و تشکیلاتی که بدین منظور ایجاد میشوند موسسات غیر تجارتي محسوب میگردند . اگر چه مقصود موسسین از تشکیل آنها این باشد که وجوه حاصله را در امور تجارتي بکار اندازند . اگر فرض نماییم که منظور از " مقاصد غیرتجارتي " غیر از آنچه ذکر شد باشد ، عملاً " تفکیک ماده ۲ در مورد موسسات انتفاعی امری بیمعنی خواهد بود .

ثانیاً ، ماده ۴ از آئین نامه اجرائی لایحه قانونی تشکیل مراکز تهیه و توزیع کالا ، داشتن " پیشه تجارتي " را از شرایط سفارش دهندگان کالا قرار میدهد . لذا موسسات غیر تجارتي که هم

بمقتضای نام خود و هم بنا به تعاریف مذکور در مساده ۱ و ۲ آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و موسسات غیرتجارتی مصوب اردیبهشت ۱۳۳۷ دارای " پیشه تجارت " نیستند، نمیتوانند بعنوان واردکننده در مراکز تهیه و توزیع کالا ثبت نام نمایند .

ثالثا " بموجب ماده ۲ از آئین نامه اجرایی تبصره یک

ماده واحده قانون تشکیل اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران مصوب دیماه ۱۳۴۹، داشتن پیشه تجارت از شرایط عضویت دراتاق بازرگانی است . می دانیم که تا قبل از تصویب قانون صادرات و واردات سال ۱۳۶۶ یکی از شرایط دریافت کارت بازرگانی عضویت در اتاق بازرگانی بود . بدینجهت موسسات غیر تجارتي ، بعلت عدم اشتغال به تجارت ، حق عضویت در اتاق بازرگانی را نداشته اند . لذا شرط لازم برای دریافت کارت بازرگانی را نیز فاقد بوده اند .

رابعا " ، ماده ۱ از مقررات و آئین نامه مربوط به صدور

کارت بازرگانی اعلام میکند: " اشخاص حقیقی یا حقوقی که درایران به امور بازرگانی و صنعتی و معدنی و خدمات مربوطه اشتغال دارند با رعایت شرایط و با در دست داشتن کارت عضویت اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران میتوانند تقاضای صدور کارت بازرگانی ... بنمایند . همانطوریکه ملاحظه میشود بموجب این ماده شرط تقاضای کارت بازرگانی " اشتغال به امور بازرگانی و صنعتی و معدنی و خدمات مربوطه " است ، که این امر در مورد موسسات غیر تجارتي نمیتواند مصداق داشته باشد . باید دانست که ماده ۲ از آئین نامه فوق الذکر نیز مجدداً " اشتغال به امور بازرگانی و تجارت خارجی را شرط اعطاء کارت بازرگانی به اشخاص

حقوقی قرار میدهد .

درخاتمه باید در نظر داشت که انجام فعالیتهای تجارتي بوسیله موسسات غیر تجارتي، فعالیتهای بالقوه خطرناک است و هرگاه بوسیله افراد ناباب صورت گیرد میتواند محمل مناسبی برای زیر پا گذاردن اراده مقنن و نادیده گرفتن بسیاری از مقررات موجود درباره شرکتهای تجارتي باشد . مثلاً می دانیم که شرکتهای تجارتي طی تشریفات نسبتاً مفصل و با پرداخت مالیات های متعلقه تشکیل میشود و $\frac{1}{4}$ سرمایه شرکتهای سهامی باید در زمان تشکیل شرکت پرداخت شده باشد . در ضمن ، شرکتهای مکلفند دفاتر بازرگانی نگاهداری نمایند و کارمندان دولت از عضویت در هیئت مدیره یا مدیریت عامل اینگونه شرکتهای ممنوع میباشند . ولی موسسات غیر تجارتي طی تشریفات ساده تر و با هزینه کمتر به ثبت میرسند و مکلف به نگاهداری دفاتر نیز نیستند . مضاف بر اینکه موسسه غیر تجارتي اصولاً میتواند بدون سرمایه نیز تشکیل گردد و کارمندان دولت میتوانند هر گونه سمتی که بخواهند در آنها داشته باشند . مشاهده میشود که انجام فعالیت تجارتي توسط موسسات غیر تجارتي مزایای زیادی بر انجام اینگونه عملیات توسط شرکتهای تجارتي دارد و دور نیست که هر بازرگان نفع طلبی ترجیح دهد که بجای تشکیل شرکت تجارتي دست به تاسیس موسسه غیر تجارتي بزند و بدین ترتیب خود را از قید تشریفات و مقررات موجود درباره شرکتهای تجارتي برهاند .

حال این سؤال پیش میآید که هرگاه یک موسسه غیر تجارتي مثل یک موسسه خیریه یا یک اتحادیه شغلی و صنفی بخواهد دست

به فعالیتهای تجارتي بزنند چه باید بکنند؟ در وضعیت فعلی حقوقی کشور ما پاسخ کاملاً روشن است: موسسه غیر تجارتي مزبور باید یک شرکت تجارتي وابسته تشکیل دهد و فعالیتهای تجارتي خود را در آن شرکت متمرکز نماید. مثلاً "فرض کنید اتحادیه فروشندگان منسوجات در صدد واردات پارچه از کشور پاکستان است. در اینجا اتحادیه مزبور باید تشکیل شرکتی را بدهد^(۱) که آن شرکت واردات پارچه را برای اتحادیه فروشندگان منسوجات انجام دهد و امساک هرگاه اتحادیه مزبور اسماً "وارد عمل گردید و اقدام به واردات نمود در واقع از لحاظ حقوقی حکم به نابودی خود داده است زیرا اشخاص حقوقی اصولاً برای اهداف مشخص بوجود می آیند و هر شخص حقوقی برای فعالیت بخصوصی صلاحیت و اختیار دارد و میتوان استدلال نمود که موسسه غیر تجارتي اختیار و صلاحیت مبادرت به اعمال تجارتي را ندارد و هرگاه به چنین اعمالی دست بزنند در واقع از فلسفه وجودی خود تخطی نموده است و هر ذینفع

(۱): در حال حاضر در کشور ما برای تشکیل شرکت بیش از یک نفر لازم است لذا در اینگونه موارد میتوان مثلاً "سهام شرکت را به ۱۰۰ سهم تقسیم نمود که ۹۹ سهم آن متعلق به موسسه غیر تجاری مورد نظر و یک سهم متعلق به شخص دیگری باشد.

می‌توانند از محکمه تقاضای انحلال آنرا بنمایند.
فعالیت‌های تجارتي عملیاتی حساس و دقیق میباشند
به‌همین دلیل نیز قانونگذار در قانون تجارت،
مقررات ویژه‌ای برای آن در نظر گرفته که گاه
بکلی با مقررات قانون مدنی مغایر و مخالف
است. هدف مقنن با وضع این مقررات پاسخگوئی
به نیازهای ویژه جامعه تجار و فعالیت‌های تجارتي
بوده است. هر گاه ما به موسسه‌ای که اصولاً
بموجب قانون تجارت تشکیل نشده و از بسیاری
از مقررات مربوط به قانون تجارت معاف
است اجازه دهیم دست به فعالیت تجارتي
بزند در واقع نقض غرض مقنن را نموده ایم.
فعالیت سالم تجارتي موقوف به رعایت
دقیق قانون تجارت و از جمله مقررات مربوط
به تشکیل شرکتهای تجارتي میباشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی